

نقش و اهمیت کشاورزی سنتی در تعدیل مهاجرت و پایداری جمعیت روستایی مطالعه موردی شهرستان بهمئی

محمد صادق ابراهیمی کوهبند^{۱*} و سید حسن اسعدی خوب^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴ بهمن ۱۳۹۶

تاریخ دریافت: ۲۶ فروردین ۱۳۹۶

چکیده

در دهه‌های گذشته، تحولات اقتصادی و اجتماعی حاکم بر کشور از یک سو و آگاهی جمعیت از سوی دیگر سبب حرکات شدید مهاجرتی گردیده که این جابه‌جایی در بعضی مناطق کشور با شدت بیشتری همراه بوده است. مطالعات فراوانی در زمینه علل و پیامدهای مهاجرت روستاییان به شهر صورت گرفته، ولی مطالعات کمتری در زمینه عوامل تعدیل مهاجرت روستاییان انجام گرفته است. این پژوهش به منظور بررسی نقش و اهمیت بخش کشاورزی سنتی در پایداری جمعیت روستایی و جلوگیری از مهاجرت روستا به شهر در شهرستان بهمئی (استان کهگیلویه و بویراحمد) صورت گرفته است. این تحقیق از نظر ماهیت جزء تحقیقات کمی و روش تحقیق هم توصیفی، تحلیلی از نوع پیمایشی و ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه بوده است. جامعه آماری تحقیق شامل سرپرست خانوارهای روستایی بخش ممبی از توابع شهرستان بهمئی در استان کهگیلویه و بویراحمد بوده است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران محاسبه شد و ۲۲۰ نفر سرپرست خانوار برای مطالعه انتخاب شدند که به شیوه نمونه‌گیری طبقه‌بندی به نسبت جمعیت هر روستا، اقدام به نمونه‌گیری گردید. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بیشترین منبع درآمد روستاییان منطقه از بخش کشاورزی سنتی بوده و توسعه بخش کشاورزی باعث کاهش روند مهاجرت از روستا به شهر شده و کاهش شکاف درآمدی روستا-شهری را به همراه داشته است. نتایج رگرسیون چندگانه نشان داد که متغیرهای تعداد دام سبک، مقدار اراضی و علاقه عاطفی به محیط روستا بیشترین تأثیر را در ماندگاری روستاییان داشته‌اند. با توجه به شدت مهاجرت در این منطقه، کشاورزان نسبت به بقیه اقشار روستایی ماندگارتر بودند. با توجه به نتایج تحقیق تأکید بر سیاست دولت در سرمایه‌گذاری و توجه بیشتر به بخش کشاورزی متناسب با وضعیت اقلیمی و پتانسیل‌ها و محدودیت‌ها و همین‌طور ایجاد اشتغال در مناطق روستایی لازم به نظر می‌رسد.

کلمات کلیدی: بخش کشاورزی، توسعه، شهرستان بهمئی، عوامل مؤثر، مهاجرت.

۱- استادیار توسعه روستایی، دانشگاه صنعتی اصفهان
۲- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد توسعه روستایی دانشگاه صنعتی اصفهان
(* نویسنده مسئول: ebrahimi_ms@cc.iut.ac.ir)

مقدمه

مهاجرت در کنار زاد و ولد و مرگ و میر جزء سه مؤلفه اصلی در تعیین میزان جمعیت یک منطقه می‌باشد. در یک نگاه کلی می‌توان پدیده مهاجرت را بخشی از فرآیند توسعه و تحولات اساسی در قرن بیستم دانست که در تمام نقاط دنیا با شدت متفاوت و در فاصله زمانی مختلف اتفاق افتاده است. مهاجرت و شهرنشینی به‌طور فزاینده‌ای به‌عنوان یکی از مسائل تعریف‌شده قرن بیست و یکم به رسمیت شناخته شده است. مهاجرت به‌عنوان یک عامل مهم برای رشد شهری و فرآیند شهرنشینی به‌شمار می‌رود، چرا که مردم در جستجوی فرصت‌های اجتماعی و اقتصادی هستند. با این حال ظرفیت شهرها برای برنامه‌ریزی و استقبال از مهاجران رو به افزایش در زمینه‌های تأمین شغل، دسترسی به زمین، امکانات و سایر خدمات، محدود می‌باشد و میزان مهاجرت بیش از ظرفیت و توان شهرهای کشورهای در حال توسعه می‌باشد (اومبیللا^۱، ۲۰۱۷). مهاجرت بی‌رویه در کشورهای جهان سوم به‌دنبال بهبود کیفیت زندگی و یافتن شغل و دسترسی به سطح درآمد و امکانات بیشتر و کاهش فاصله بین شهر و روستا می‌باشد. به همین خاطر از مهاجرت به‌عنوان یک استراتژی بقا و یک کاتالیزور در فرآیند تحول توسعه یاد می‌کنند (چیوکوادزی و پاتینس^۲، ۲۰۱۳). از طرفی هم مهاجرت روستائیان به شهر موجب کاهش منابع پایه و محدودیت دسترسی به برخی خدمات و امکانات متکی بر میزان جمعیت می‌گردد. به بیان دیگر افزایش مهاجرت روستائیان به شهر و کاهش جمعیت روستایی موجب می‌گردد تا ایجاد و توسعه برخی زیرساخت‌ها، خدمات و امکانات در روستا که متکی به میزان جمعیت می‌باشد با مشکل مواجه گردد (جرمی و جینوا^۳، ۲۰۱۵). مطالعات سازمان ملل و گزارش‌های مهاجرت جهانی نشان می‌دهد که مناطق شهری در کشورهای جهان سوم در بخش زیرساخت‌ها، هنوز کمتر از ۵۰ درصد آستانه جمعیت خود می‌باشند. به بیان دیگر زیرساخت‌ها و امکانات فعلی در شهرهای کشورهای جهان سوم، قادر به پاسخگویی نیازهای ۵۰ درصد جمعیت شهری خود می‌باشند و ۵۰ درصد جمعیت مازاد بر خدمات و امکانات در شهرها ساکن شده است. زیرساخت‌ها و بسترهای شهری در کشورهای در حال توسعه نیاز به زمان طولانی دارد تا بتواند پاسخگوی نیازها و امکانات و ارائه خدمات به جمعیت آن باشد. همان‌طور که گزارش جهانی مهاجرت یادآور می‌شود حدود دو سوم سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های شهری تا سال ۲۰۵۰ در آفریقا هنوز ساخته نشده است (اومبیللا، ۲۰۱۷). طی سال‌های اخیر پدیده مهاجرت روستایی در کشور ایران به دلایل متعددی مانند بیکاری، درآمد پایین، کسب شغل بهتر و دسترسی به خدمات و امکانات بهتر و همین‌طور افزایش رفاه تشدید شده است. سرازیر شدن نیروی کار کم‌سواد از روستاها به حاشیه شهرها، موجب افزایش بیکاری شهری از یک طرف و رو آوردن به مشاغل کاذب از طرف دیگر شده است (عناستانی، ۱۳۹۰). بنابراین مهاجرت بی‌رویه یک بیماری اجتماعی و عامل بسیاری از نابسامانی‌های سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است (خوش‌فر و همکاران، ۱۳۹۱). گروهی از علمای توسعه معتقد به پیامدهای مثبت مهاجرت به‌عنوان یک پیش‌شرط اساسی برای توسعه اقتصادی می‌باشند و مهاجرت از روستا به شهر و همچنین انتقال نیروی انسانی از بخش کشاورزی به بخش صنعت را از پیش‌شرط‌های لازم و گذار به مرحله توسعه‌یافتگی می‌دانند. تودارو (۱۳۸۶) نیز بر اهمیت توسعه کشاورزی انگشت تأکید نهاده و معتقد است که توسعه و رشد بخش کشاورزی به‌عنوان

1- Mariama Awumbila

2- Chukwuedozie and Patience

3- Jeremy and Jinhua

موتور و محرکه اصلی توسعه روستایی است و علت آن را اشتغال بیش از ۸۰ درصد جمعیت روستایی جهان سوم به طور مستقیم و غیرمستقیم از فعالیت‌های کشاورزی می‌داند. در دهه‌های اخیر در کشور ایران برای جلوگیری از مهاجرت روستایی سیاست‌های زیادی اتخاذ شده و به خاطر عدم نگاه جامع به محیط روستا و اجرای برنامه‌های از بالا به پایین و عدم مشارکت مردم در برنامه‌های توسعه‌ای، هم‌چنان شاهد خالی شدن روستاها در نقاط مختلف ایران هستیم. از آن‌جا که اغلب فعالیت مردم روستایی کشاورزی می‌باشد و توجه نکردن به بخش کشاورزی می‌تواند زمینه خالی شدن روستا را فراهم نماید، لذا شاهد سرازیر شدن نیروی بیکار و فعال روستایی به سمت شهرها می‌باشیم. پدیده مهاجرت باعث خالی شدن روستا از نیروی جوان و کاهش تولیدات غذایی شده و از سوی دیگر بخش شهری قادر به ایجاد اشتغال برای همه مهاجران نبوده، لذا این افراد در شهرها دچار معضلات اجتماعی پیچیده‌ای خواهند شد. بخش کشاورزی در اقتصاد کشور ایران نقشی حیاتی را بر عهده دارد، براساس نتایج طرح آمارگیری نیروی کار در سال ۹۴ حدود ۵۰ درصد از شاغلان روستایی در بخش کشاورزی فعالیت می‌کنند. در سال ۸۴ بخش کشاورزی ۲۴/۷ درصد از سهم اشتغال در کشور را به خود اختصاص داده بود که این شاخص در سال ۸۵ به ۲۳/۲ درصد، سال ۹۰ به ۱۸/۶ درصد و سال ۹۳ به ۱۷/۹ درصد کاهش یافته است. از طرف دیگر بخش کشاورزی حدود ۱۲ درصد از تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص می‌دهد. استان کهگیلویه و بویراحمد از جمله استان‌های محروم در کشور محسوب می‌شود که بنا به آمار رسمی و غیررسمی، وضعیت مطلوبی در شاخص‌ها اشتغال، رفاه، زیرساخت‌ها نداشته و عوامل متعددی دست به دست هم داده است تا این استان از نظر بیکاری در بین ۵ استان اول کشور قرار بگیرد. به طوری که استاندار کهگیلویه و بویراحمد، ضمن تأیید بالا بودن نرخ بیکاری در استان، خوستار حمایت و توجه جدی به استان شده است. نماینده استان کهگیلویه نیز در مجلس شورای اسلامی به اوضاع نابسامان بیکاری در استان که در برخی شهرها به بیش از ۳۰ درصد می‌رسد، اشاره کرده است (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۶). در سال ۱۳۹۴ نیز بالاترین نرخ بیکاری را استان‌های کهگیلویه و بویراحمد، کرمانشاه و چهارمحال و بختیاری به ترتیب با ۱۷,۷، ۱۷,۶ و ۱۶,۴ درصد داشته‌اند (اقتصاد آنلاین، ۱۳۹۶). شهرستان بهمئی از جمله شهرهای استان کهگیلویه و بویراحمد هم از این قاعده مستثنی نبوده و از نظر شاخص بیکاری، در وضعیت نامطلوبی به سر می‌برد. از یک طرف شاهد مهاجرت‌های بی‌رویه به شهر بوده‌ایم و از سوی دیگر هم پتانسیل و ظرفیت شهر، پاسخگوی نیازهای رفاهی، اشتغال و بهبود درآمد مردم منطقه بهمئی نمی‌باشد و کشاورزی در مناطق روستایی شهرستان بهمئی اغلب به شیوه سنتی (دامداری غیرصنعتی و زراعت دیم غلات) می‌باشد، بنابراین در این تحقیق سعی بر این است تا ببینیم با توجه به سیاست‌ها و نگاه‌های مختلف که به بخش کشاورزی و نظریات متفاوتی درباره نقش کشاورزی سنتی و جایگاه آن در توسعه روستا و اقتصاد ملی وجود دارد، آیا کشاورزی توانسته نقش مناسب و مثبتی در جلوگیری از خالی شدن روستاها از سکنه داشته باشد و زمینه لازم جهت ماندگاری افراد در محیط روستا، کاهش روند مهاجرت‌های بی‌رویه روستایی و همین‌طور اشتغال و کاهش بیکاری و فقر را در محیط روستا فراهم نماید؟

از دیدگاه نظری در باب مهاجرت روستاییان به شهر، نظریات مختلفی ارائه شده است و مهاجرت روستایی در ابتدا مثبت تلقی می‌شد. نظریه پردازان مکتب نوسازی، مهاجرت را یکی از عوامل رشد اقتصادی قلمداد می‌کنند. از نظر کارکردگرایان، که پدیده مهاجرت را از دیدگاه کارکردهای اجتماعی آن بررسی می‌کنند، عدم تعادل‌های شهری-روستایی و جاذبه‌های شهری موجب مهاجرت روستاییان می‌گردد به این معنا که نیازهای اجتماعی افراد در محیط

روستایی برآورده نمی‌شود اقدام به مهاجرت و رفع این نیازها می‌کنند. آنان نتایج مهاجرت را تماماً مثبت ارزیابی می‌کنند. طبق نظریه دفع و جذب راونشتین^۱، مهاجرت یک پدیده عقلایی است یعنی خود افراد مهاجر باتوجه به وضعیت موجود و برای رسیدن به وضعیت مطلوب، اقدام به مهاجرت می‌کنند. عوامل نامساعد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در محیط فعلی موجب مهاجرت فرد به محیط جدید می‌گردد. از طرفی نظریه پردازان مکتب وابستگی، علل و پیامدهای مهاجرت را در ارتباط باهم می‌دانند و نتیجه توسعه نابرابر را افزایش مهاجرت و از طرفی هم افزایش مهاجرت موجب توسعه نابرابری می‌گردد و در نتیجه همدیگر را تقویت می‌کنند. به بیان دیگر توسعه نابرابر باعث تشدید مهاجرت و خود پدیده مهاجرت هم موجب نابرابری می‌شود. در مدل دویبخشی آرتور لوئیس هم اشاره به این شد که باید نیروی کار از بخش سنتی که همان کشاورزی باشد و دارای بازدهی پایین بوده به بخش صنعت انتقال یابد (پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۷). تودارو هم نظریه مهمی در باب مهاجرت روستایی دارد و معتقد است عمدتاً پدیده اقتصادی است (تودارو، ۱۳۸۶). مدل مهاجرت هریس - تودارو بیان می‌دارد که وجود نرخ بالای مهاجرت از روستا به شهر به دلیل بیکاری بالا است (پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۷). طالب (۱۳۷۲) در مطالعه‌ای که با عنوان آزادسازی کشاورزی، توسعه کشاورزی یا مرگ روستاها و با مقایسه بین وضعیت کشاورزی و روستایی ایران و ژاپن انجام داده است، معتقد است که بین کشاورزی و صنعت تعارض و تقابلی نیست و این سیاست که کشاورزی مانع پیشرفت صنعت می‌باشد کاملاً اشتباه بوده و توسعه کشاورزی، پیش شرط و مکمل توسعه صنعتی است. به طور کلی، مهاجرت روستایی اگرچه فرصت‌هایی را در هر برای قشر مهاجر ایجاد می‌کند، اما موجب تخلیه روستاها از نیروی جوان و تحصیل کرده شده و تقویت توسعه نیافتگی منطقه مهاجرفرست، تخلیه روستا از نیروی تولیدکننده، نابرابری در شهر و پدیده حاشیه‌نشینی و ناهنجاری‌های اجتماعی و تضاد فرهنگی را به دنبال دارد.

در زمینه نقش مهم کشاورزی در اقتصاد روستا و اقتصاد کشور مطالعات زیادی صورت گرفته است و نتایج بیانگر اهمیت بخش کشاورزی برای افزایش رفاه و ادامه زندگی روستاییان می‌باشد. خوش‌فر و همکاران (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای به جریان‌های مهاجرتی و عوامل مؤثر آن در استان مازندران پرداختند. نتایج مطالعه محققان تا حدودی با مطالعات قبل از آن که علل اصلی مهاجرت را اقتصادی قلمداد می‌کردند، متفاوت بوده و یافته‌های آنان نشان داد که بیشترین عامل مؤثر در روند مهاجرت روستاییان، عوامل روانشناختی بوده و متغیر اقتصادی هم کمترین تأثیر را داشته است. بنی‌اسدی و همکاران (۱۳۹۱) به بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر مهاجرت روستایی با استفاده از شیوه معادلات سیستم همزمان برای دوره ۱۳۵۳-۱۳۸۶ پرداختند. نتایج مطالعه حاکی از آن است که بهبود توزیع درآمد، افزایش مخارج دولتی در عمران روستاها، کاهش شکاف دستمزد میان شهر و روستا و هم‌چنین سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی منجر به کاهش روند مهاجرت به شهرها خواهد شد. هم‌چنین افزایش شاخص قیمت محصولات کشاورزی، افزایش نرخ باسوادگی، رشد اقتصادی و افزایش سطح زیرکشت از طریق اثرگذاری مثبت بر سرمایه‌گذاری کشاورزی، منجر به کاهش مهاجرت از روستا به شهر خواهد شد. کیانی و همکاران (۱۳۹۵) در یک مطالعه میدانی نشان دادند که عامل اقتصادی تأثیر بسزایی در روند مهاجرت روستاییان داشته و نقش آن از سایر عوامل اجتماعی و کالبدی، پررنگ‌تر بوده است. اذانی و بوستانی (۱۳۹۰) در یک مطالعه میدانی به تحلیل عوامل مهاجرت روستایی در شهرستان ممسنی

پرداختند که برپایه نتایج تحقیق اذعان داشتند که عوامل اقتصادی مانند عدم درآمد کافی و پایدار و عدم دسترسی به خدمات و امکانات، روند مهاجرت روستایی افزایش یافته است. قاسمی سیانی (۱۳۸۸) به بررسی پیامدهای مهاجرت جوانان روستایی به شهر پرداخته است که نتایج نشان داد مهاجرت در برخی ابعاد اقتصادی و افزایش آگاهی مثبت بوده، ولی از نظر ابعاد اجتماعی و ناهنجاری پیامدهای منفی داشته است. رضانیان و عبدالزاده (۱۳۸۰) در یک مطالعه نشان دادند که مهم‌ترین عامل دخیل در سالخوردگی جمعیت روستایی و بخش کشاورزی، مهاجرت بوده است. به دلیل این‌که اغلب مهاجران روستایی را جوانان تشکیل می‌دهند، بنابراین یک عدم تعادل در ساختار سنی در روستا و بخش کشاورزی ایجاد شده است. دانشور کاخکی و همکاران (۱۳۸۵) در مطالعه‌ای تأثیر افزایش بهره‌وری کشاورزی بر مهاجرت روستاییان ایران را در دوره ۱۳۵۰-۱۳۸۳ بررسی نمودند. نتایج تحقیق آن‌ها نشان می‌دهد که شکاف درآمدی میان شهر و روستا باعث افزایش مهاجرت می‌شود. همچنین سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی از روند مهاجرت می‌کاهد. در پژوهشی که به منظور بررسی رابطه بین مهاجرت و تغییر در بهره‌وری کشاورزی انجام شد، نتایج نشان داد که افزایش تولید بخش کشاورزی، افزایش زمین‌های زیر کشت، افزایش بهره‌وری و افزایش سرمایه انسانی در بخش کشاورزی موجب کاهش مهاجرت می‌شود (عابدی، ۱۳۸۴). ملور (۱۳۸۳) در مطالعات توسعه کشاورزی در ایران، از تعامل هدف‌ها و راهبردها نتیجه می‌گیرد که اصولاً سرعت گرفتن روند توسعه کشاورزی تنها راه کاهش نابرابری سطوح درآمدی در مناطق شهری و روستایی است. ایران به دلیل برخورداری از اراضی آبی مناسب برای تولید محصولات پر ارزش، که تقاضا برای آن‌ها در سطوح ملی و روستایی رو به رشد است، در جایگاه بسیار مناسبی برای تحقق چنین نرخ رشدی در بخش کشاورزی قرار دارد. شایان ذکر است که در مورد ایران نه تنها بزرگ‌ترین ظرفیت برای کاهش تفاوت درآمد روستایی و شهری در تولید کالاهای پر ارزش به‌ویژه محصولات باغی و دامی نهفته است، بلکه شرایط بسیار مناسبی نیز برای افزایش تولید این قبیل محصولات وجود دارد. در پژوهشی که به مطالعه نقش کشاورزی در توسعه روستایی شهرستان پلدختر پرداخته شد، نتایج تحقیق گویای این مطلب بود که فعالیت اقتصادی غالب منطقه مورد مطالعه، کشاورزی می‌باشد و منبع اصلی درآمد جمعیت روستایی از همین طریق تأمین می‌گردد. همچنین به علت شرایط کنونی کشاورزی در شهرستان پلدختر و تلاش کشاورزان، نیاز روزافزون به مواد غذایی و درآمد بیشتر ایجاب می‌کند که در این منطقه در بخش کشاورزی سرمایه‌گذاری لازم به‌عمل آورده شود (گراوند ۱۳۸۱). یلماز و همکاران^۱ (۲۰۱۰) در تحقیقی به بررسی عوامل مؤثر بر توسعه روستایی در ترکیه پرداختند. آن‌ها در تحقیق خود به دوازده عامل مؤثر و تأثیرگذار بر توسعه روستایی اشاره کردند. نتایج تحقیق نشان داد که دلیل توسعه نیافتگی برخی روستاها به دلیل عدم استفاده از شیوه‌های مدرن تولید کشاورزی به‌خصوص دامی و فقدان حمایت‌های دولتی بوده است. آن‌ها معتقداند که تشویق و حمایت از شیوه‌های مدرن تولید، پرورش دام، شناسایی مناطق کشاورزی اشغال نشده و استفاده از این زمین‌ها به عنوان مرتع برای دام، توسعه تولیدات کشاورزی از طریق آبیاری و کوددهی، افزایش سطح زیر کشت محصولات تجاری و احداث گلخانه می‌تواند زمینه افزایش تولیدات کشاورزی و بهبود توسعه روستایی و افزایش رفاه روستاییان را فراهم کند. در تحقیقی دیگر که در کشور غنا انجام شده است، نقش کشاورزی در توسعه روستایی را اساس امنیت ملی و ثبات منطقه در کشور غنا می‌داند. وی خاطر نشان می‌کند که بیش از ۸۰

1- Bülent Yılmaz et al

2- Seipel

درصد جمعیت این کشور فعال در بخش کشاورزی است و کشاورزی بزرگ‌ترین سهم را در تولید ناخالص ملی این کشور دارد (سیپل^۱، ۲۰۰۴). گلداسمیت^۲ (۲۰۰۲) در بررسی مهاجرت از روستا به شهر و بهره‌وری بخش کشاورزی، دریافت که مهاجرت از روستا به شهر تابعی مثبت از نرخ درآمد سرانه شهری به درآمد سرانه روستایی است و سرمایه-گذاری در بخش کشاورزی می‌تواند باعث کاهش مهاجرت شود. جرمی و جینوا (۲۰۱۵) در مطالعه‌ای با عنوان اثرات و پیامدهای مهاجرت روستا به شهری که در کشور ماداگاسکار انجام دادند بر این باور بودند که نرخ مهاجرت در کشور ماداگاسکار بالا بوده و توسعه مناطق روستایی را به دلیل نوسان شدید جمعیتی با مشکل مواجه کرده است. مناطق روستایی با ازدست دادن جمعیت خود در دسترسی به منابع و امکانات با محدودیت روبرو می‌باشد. اکثریت افراد مورد مطالعه به دلیل دست‌یافتن به شغل و امکانات به شهر مهاجرت می‌کنند که اگر شکاف بین شهر و روستا به حداقل برسد، مردم ترجیح می‌دهند در مکان فعلی یعنی روستا به زندگی خود ادامه دهند. چیکوآدزی و پائینس (۲۰۱۳) در مطالعه‌ای که تحت عنوان اثرات مهاجرت روستا به شهر در کشور نیجریه انجام دادند، نتیجه می‌گیرند که جمعیت یکی از شاخص‌های ضروری برای پایداری روستا می‌باشد و بعد از برشمردن اثرات منفی مهاجرت بر ساختار اقتصادی و اجتماعی روستا، توصیه می‌کنند که باید سیاست‌گذاری‌ها در راستای سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی و بهبود بخش تولیدات این بخش باشد.

مواد و روش‌ها

پژوهش کمی حاضر با هدف بررسی نقش فعالیت کشاورزی در تعدیل مهاجرت روستاییان و پایداری جمعیت در مناطق روستایی به صورت پیمایشی و به کمک ابزار پرسشنامه انجام شده است. جامعه آماری تحقیق شامل سرپرست خانوارهای روستایی دهستان گرمسیر شمالی واقع در بخش ممبی از توابع شهرستان بهمئی استان کهگیلویه و بویراحمد بوده است. حجم جامعه آماری برابر با ۱۸۰۰ نفر در بخش ممبی واقع در شهرستان بهمئی بوده است. حجم نمونه آماری با توجه به فرمول کوکران ۲۲۰ نمونه تعیین گردید. روش نمونه‌گیری به صورت طبقه‌ای متناسب با حجم نمونه بوده است به این ترتیب که روستاها را بر پایه جمعیت و انحراف معیار به چهار گروه ۱- کمتر از ۲۰ خانوار، ۲- ۲۰ تا ۵۰ خانوار، ۳- ۵۰ تا ۱۰۰ خانوار و ۴- روستاهای بالای ۱۰۰ خانوار دسته‌بندی نموده و به تناسب هر طبقه، نمونه‌گیری صورت گرفته است. واحد تحلیل هم سرپرست خانوارهای روستایی بوده است. از آن‌جا که موقعیت جغرافیایی روستاهای این منطقه با همدیگر تفاوتی نداشته و در فاصله بسیار کمی از هم قرار گرفته‌اند به صورت تصادفی از هر طبقه چند خانوار به نسبت درصد و سهم آن طبقه انتخاب گردید. سؤالات پرسشنامه در سه سطح اسمی، ترتیبی و فاصله‌ای بوده‌اند. پس از جمع‌آوری اطلاعات و پردازش آن‌ها در محیط‌های نرم‌افزاری SPSS به تحلیل داده‌ها و تبیین موضوع مورد مطالعه پرداخته شد. روایی مقاله توسط اساتید گروه مورد بررسی و تأیید قرار گرفت. برای سنجش قابلیت اعتماد و پایایی ابزار تحقیق از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است که مقدار آلفای کرونباخ برای هر کدام از مؤلفه‌های پرسشنامه به تفکیک در جدول ۱ آمده است.

جدول ۱. پایایی سازه‌های مورد تأکید تحقیق

ردیف	نام سازه	تعداد متغیر	میزان آلفای کرونباخ
۱	رضایت‌مندی	۵	۰/۷۱۵
۲	تمایل به مهاجرت	۵	۰/۸۳۴
۳	عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر مهاجرت	۲۰	۰/۶۴۴
۴	موانع مهاجرت		۰/۷۸۵

نتایج

یافته‌های تحقیق نشان داد که میانگین سن سرپرست خانوارها نزدیک به ۴۸ سال بوده و اغلب بی‌سواد یا دارای سواد ابتدایی هستند به طوری که نزدیک به نیمی از نمونه آماری، بی‌سواد بودند و روی هم رفته ۷۰ درصد از پاسخگویان را افراد بی‌سواد و دارای سواد ابتدایی تشکیل داده است. این می‌تواند به نوعی بازگوکننده این معنی باشد که معمولاً افراد باسواد و تحصیل کرده از روستا مهاجرت کرده و جوانانی که تازه تشکیل خانواده می‌دهند به دنبال شغل و رفاه بیشتر به شهر مهاجرت می‌کنند. بالا بودن سن سرپرست خانوارهای روستایی منطقه مورد مطالعه نشان دهنده مسن شدن جمعیت روستایی و همین‌طور مسن شدن نیروی فعال موجود در روستا می‌باشد که نتایج تحقیقات پیشین هم در تأیید این گفتار می‌باشد. یافته‌های تحقیق بیانگر این است که بیشترین فعالیت مربوط به سرپرست خانوارهای این بخش کشاورزی سنتی (زراعت دیم) می‌باشد که با افزودن بخش دامداری نزدیک به ۹۰٪ سرپرست خانوارهای این منطقه دارای فعالیت زراعت و دامداری بودند. در جدول ۲ تصویر کلی از ویژگی‌های سنی، سطح سواد، تعداد فرزندان و شغل اصلی ارائه می‌گردد.

جدول ۲. ویژگی‌های سرپرست خانور در نمونه مورد مطالعه

ردیف	ویژگی	مشخصه آماری - میانگین	نما
۱	سن سرپرست خانوار	۴۷/۵۹ (سال)	۳۰ (سال)
۲	سواد سرپرست	۴۵ درصد	بی‌سواد
۳	تعداد فرزندان	۴/۱۲ (فرزند)	۳ (فرزند)
۴	شغل سرپرست	-	۳ (کشاورزی)
۵	هکتار زمین	۳/۱۳ هکتار	۳ هکتار
۶	عملکرد (هکتار/کیلوگرم)	۱۲۰۰ (هکتار/کیلوگرم)	۱۳۰۰ (هکتار/کیلوگرم)
۷	نوع دام	-	دام سبک
۸	تعداد گوسفند	۱۹/۷۵	۲۰ (گوسفند)
۹	تعداد بز	۵۲/۹۶	۴۰ (بز)
۱۰	تعداد گاو	۲/۲۷	۲
۱۱	نوع تغذیه دام	-	۲ (مراغ طبیعی)

هم‌چنین به‌طور میانگین هر خانواده دارای چهار فرزند بوده که افزایش بعد خانوار باعث بیکاری پنهان در بخش کشاورزی و موجب کاهش بهره‌وری در این بخش می‌گردد. با توجه به این که متوسط بعد خانوار روستایی کشور در

سال ۱۳۹۰ برابر با ۳/۷۷ و در سال ۱۳۹۵ به ۳/۴ کاهش یافته است. بنابراین هنوز شاهد بعد بالای خانوار در محیط روستایی هستیم که نمی‌توان به راحتی در باب مثبت یا منفی بودن بالابودن بعد خانوار داوری کرد. زراعت این افراد شامل کشت غلات به شکل دیم بوده و به خاطر هم‌جواری زمین‌های آنان و عدم استفاده از تکنولوژی پیشرفته و متمایزی، عملکرد محصول آن‌ها نزدیک به هم بوده و بنا به گفته کشاورزان عملکرد جو و گندم در این منطقه نزدیک به هم بوده و به طور میانگین بین ۱۲۰۰ تا ۱۵۰۰ کیلو در هکتار به دست آمده است. با توجه به اطلاعات به دست آمده، مردم روستایی مشکل کمبود زمین نداشتند و در توزیع آن بین فرزندان چالشی وجود نداشته و میانگین زمین هر خانوار سه هکتار بوده که مبنی بر رضایت از مقدار زمین در تملک آن‌ها بوده است. به دلیلی که زمین‌های این منطقه آبی نیستند، روستاییان فقط قادر به کشت محصولات دیمی (گندم و جو) در فصل ریزش‌های آسمانی هستند. به خاطر عدم دسترسی به منبع آب برای کشت در سایر فصول سال، کشاورزان فقط قادر به کشت غلات در فصل آبی سال مطابق با ریزش‌های جوی می‌باشند و در دیگر فصول سال زمین زراعی برای مردم روستایی بلا استفاده خواهد بود.

جدول ۳. عوامل مؤثر بر تمایل مهاجرت به شهر و عدم تداوم شغل کشاورزی به ترتیب اولویت

ردیف	گویه	مشخصه آماری - میانگین از (۵)	نما
۱	درآمد پایین و عدم تداوم شغل کشاورزی	۴	خیلی زیاد
۲	تخریب مراتع و تأثیر آن در کاهش دام	۳/۹۷	خیلی زیاد
۳	دسترسی به خدمات و امکانات	۳/۸۷	خیلی زیاد
۴	عدم امکانات کافی در روستا	۳/۶۵	خیلی زیاد
۵	تأثیر بیکاری و جستجوی کار در مهاجرت	۳/۴۸	خیلی زیاد
۶	تمایل به مهاجرت فرزندان	۳/۴۷	خیلی زیاد
۷	تأثیر تحصیل فرزندان در مهاجرت	۳۳/۳	زیاد
۸	تأثیر خشکسالی در عدم تداوم شغل کشاورزی	۳/۱۶	زیاد
۹	تمایل به مهاجرت	۲/۸۷	خیلی کم
۱۰	رضایت از خدمات دامپزشکی (توزیع دارو و دامپزشک سیار)	۱/۷۰	خیلی کم
۱۱	دسترسی به خدمات کشاورزی و دامداری (کود، سم، دارو، اعتبارات مالی و بیمه)	۱/۷۰	خیلی کم

از دیگر یافته‌های پژوهش می‌توان به پایین بودن سطح سواد سرپرست خانوارها و همین‌طور زنان روستایی اشاره کرد که این عامل می‌تواند بازگو کننده این باشد که افراد اگر به شهر مهاجرت کنند فاقد هر گونه مهارت و توانایی بوده و بیشتر به کارگری و شغل‌های آزاد و کاذب با درآمد پایین می‌پردازند و از طرف دیگر زنان روستایی در زمینه‌های دیگر هیچ‌گونه فعالیت حاشیه‌ای یا درآمدزایی نداشته‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که نوع دام در منطقه مورد تحقیق از نوع دام سبک بوده و بیشتر دام روستاییان را بز تشکیل داده است، به طوری که ۷۰٪ از روستاییان دارای دام سبک (بز) و ۱۴٪ آن‌ها دارای گوسفند بودند و این هم به خاطر موقعیت کوهستانی، شرایط جوی و سازگاری بز با شرایط سخت و خشکسالی می‌باشد و تغذیه آن‌ها به صورت صحرایی و استفاده از مراتع بوده و در کنار چرای از مراتع، در فصل زمستان نیز به صورت دستی به تعلیف دام می‌پردازند. این تعلیف زمستانی بیشتر از بقایای کاه

و جوی بوده که توسط خود کشاورزان تهیه شده و در انبار ذخیره می‌شود. از نظر کشاورزان، این منطقه مناسب برای پرورش گاو محلی نبوده و گاوهای گوشتی و شیری گران و دارای هزینه نگهداری بالایی بوده و نیاز به سرمایه اولیه می‌باشد. در این تحقیق میزان تمایل به مهاجرت افراد روستایی به شهر نیز سنجیده شد تا روشن شود که چه مواردی باعث و تحریک‌کننده مهاجرت روستاییان می‌شود. در جدول ۳ به عوامل مؤثر بر عدم تداوم فعالیت کشاورزی در روستاهای منطقه و همین‌طور عوامل مؤثر بر تمایل به مهاجرت افراد از روستا به شهر اشاره شده است.

همان‌طور که مطالعات پیشین هم نشان داد، اکثریت مهاجرت روستا به شهر، مرتبط با عوامل اقتصادی بوده است و نتایج تحقیق حاضر هم بر این مطلب، صحنه می‌گذارد و درآمد پایین در محیط روستایی و تخریب مراتع که به نوعی با چرای دام و اقتصاد خانوار پیوند دارد، اولویت اصلی مهاجران را تشکیل می‌دهند. برای سنجش میزان رضایت و دسترسی از خدمات و امکانات کشاورزی از متغیرهایی نظیر دسترسی به دارو، کود شیمیایی، بیمه دام و محصول، اعتبارات مالی، پزشک سیار و سم آفات استفاده گردید. برای پی‌بردن به عوامل دخیل در کاهش فعالیت کشاورزی در بخش ممبئی از چند متغیر نظیر خشکسالی، تخریب مراتع، درآمد پایین استفاده شده است. با توجه به این‌که شهرستان بهمئی در یکی از نقاط گرم و کم باران واقع شده است، لذا در سال‌های اخیر تأثیرپذیری زیادی از خشکسالی داشته و موجب کاهش تعداد دام در این منطقه گردیده و همچنین زمین‌های زیرکشت رفته کمتر گردیده و پدیده مهاجرت را تشدید کرده است. به‌طور کلی باید گفت که درآمد پایین و عدم اشتغال پایدار با میانگین ۴، تخریب مراتع و کاهش تعداد دام با میانگین ۳/۹۷، دسترسی به خدمات و امکانات با میانگین ۳/۸۷ و عدم امکانات کافی در روستا با میانگین ۳/۶۵ در سطح زیاد تا خیلی زیاد موجب تمایل به مهاجرت از روستا به شهر نقش داشته‌اند. یافته‌های تحقیق بیانگر این است که تأثیر خشکسالی میانگین ۳/۳۰ از ۵ بر روی کاهش تعداد دام و کاهش کشت غلات توسط کشاورزان در طی سال‌های گذشته چشمگیر بوده است. به دلیل این‌که در مواقع خشکسالی تدبیر خاصی صورت نگرفته یا نهاد حمایت‌کننده خاصی وجود ندارد، کشاورزان مجبور به ترک شغل خود می‌باشند و تأثیر بسزایی در افزایش مهاجرت روستاییان داشته است. از آن‌جاکه زراعت و دامداری این منطقه به شیوه سنتی بوده و به نزولات جوی خیلی وابسته است تأثیرپذیری زیادی از عوامل طبیعی و کنترل نشده دارد. بنابر نتایج تحقیق میزان رضایت از خدمات دامپزشکی و دسترسی به خدمات کشاورزی و دامداری کم و خیلی کم میانگین ۱/۷۰ از ۵ ارزیابی شده است. طبق اطلاعات سرپرست خانوارهای کشاورز اغلب دام آن‌ها بیمه نبوده است و اگر هم کسانی از افراد نزدیک به ۲۰ درصد بیمه دام و کشاورزی داشتند، نسبت به دریافت بیمه و مراحل پیچیده اداری یا همان نظام بروکراسی ناراضی بوده‌اند (میانگین ۱/۷۰ از ۵). یکی دیگر از مشکلات روستاییان توزیع کود و سایر خدمات کشاورزی بوده که به‌صورت عادلانه توزیع نمی‌گردید و بیشتر واسطه‌ها و دلالان از این فرآیند منتفع می‌شدند. در هنگام خشکسالی و به‌خصوص فصل زمستان هیچ‌گونه حمایتی از طرف دولت انجام نشده و اکثر روستاها به دامپزشک دسترسی نداشتند. پایداری و ادامه شغل دامداری در روستاییان این بخش به شکل قابل توجهی به پایداری مراتع وابسته بوده و چرای دام بیشتر به‌صورت طبیعی و صحرایی می‌باشد. موضوع مهاجرت که اصلی‌ترین بحث این مقاله می‌باشد در بین کشاورزان، پایین‌تر از بقیه قشرهای روستایی بوده، اما همان‌طور که در جدول ۳ مشاهده شد میل به مهاجرت فرزندان خانوارهای کشاورز خیلی بالا بوده است و اکثر روستاییان تمایل به مهاجرت فرزندان خود به شهر بوده‌اند و اعتقاد داشتند که زمینه پیشرفت و رفاه آنان بهتر فراهم می‌شود. بیشتر افراد بیکار و دارای فعالیت‌های غیرکشاورزی برای یافتن شغل بهتر با درآمد بیشتر

به شهر مهاجرت نموده‌اند. به‌طور کلی می‌توان گفت از جمله عوامل تأثیرگذار در پدیده مهاجرت می‌توان به تحصیل فرزندان، پیدا کردن شغل و درآمد بهتر، دسترسی به امکانات و خدمات رفاهی بیشتر در شهر و عدم امکانات کافی در روستاها اشاره کرد که همه این موارد تأثیر خیلی زیادی در روند و تمایل به مهاجرت روستاییان داشته‌اند. این موارد در جدول ۳ آورده شده است.

عوامل تعدیل مهاجرت

آنچه موجب ماندگاری روستاییان در محیط روستا می‌گردد مربوط به عوامل متفاوت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است که هر کدام از این عوامل در مواقع مختلف، دارای قدرت تأثیر متفاوتی می‌باشند. با توجه به موقعیت اقتصادی و اجتماعی منطقه مورد مطالعه، عوامل مؤثر در ماندگاری جمعیت روستایی مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آن در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴. عوامل تأثیرگذار در کاهش مهاجرت

ردیف	ویژگی	مشخصه آماری - میانگین	نما
۱	شغل دامداری و نقش آن در کاهش مهاجرت	۳/۹۵	زیاد
۲	شغل زراعت و نقش آن در کاهش مهاجرت	۳/۸۹	زیاد
۳	علاقه به ادامه شغل کشاورزی در بین روستاییان	۳/۸۷	زیاد
۴	شغل خوب و پایدار و نقش آن در کاهش مهاجرت	۳/۷۳	زیاد
۵	اشتغال در روستا و نقش آن در کاهش مهاجرت	۳/۶۶	زیاد
۶	علاقه به زندگی در روستا و نقش آن در کاهش مهاجرت	۳/۵۵	زیاد
۷	میزان رضایت از محیط زندگی روستا	۳/۵۳	زیاد
۸	رضایت از وضعیت فعلی زراعت	۳/۳۵	خیلی زیاد
۹	رضایت از وضعیت فعلی دامداری	۳/۳۰	خیلی زیاد
	میانگین مجموع متغیرها	۳/۶۳	

اطلاعات جدول ۴ نشان می‌دهد متغیرهایی که باعث کاهش روند مهاجرت روستاییان در منطقه مورد نظر شده‌اند به دو بعد اجتماعی و اقتصادی دسته‌بندی شده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که شغل دامداری و زراعت می‌تواند عامل مناسبی برای کاهش مهاجرت کشاورزان بوده و روند آن را کندتر نماید. از عوامل اجتماعی مؤثر در کاهش مهاجرت می‌توان به علاقه به زندگی در روستا و فضای طبیعی آن و همین‌طور پیوندهای قومی و خویشاوندی اشاره کرد که از سرمایه‌های اجتماعی بسیار مهم در محیط روستا محسوب می‌شوند. این عامل‌های اجتماعی نقش مهمی در ماندگاری روستاییان داشته و باعث شده که روستاها خالی از سکنه نشده و به نقش تولیدی خود ادامه دهند. این عوامل باعث می‌گردند که علی‌رغم تنگناهای ذکر شده، روستاییان از وضعیت فعلی کشاورزی خود تقریباً راضی و مایل به ادامه فعالیت در بخش کشاورزی باشند. افراد روستایی فضا و محیط روستا را بر محیط شهر ترجیح داده و از آرامش و طبیعت روستا راضی بوده‌اند. به نوعی یک پیوند عاطفی و دلبستگی به محیط روستایی داشته‌اند، همان نکته‌ای که تودارو اذعان می‌کند که فعالیت کشاورزی، نه تنها یک شغل و منبع درآمد، بلکه یک نوع شیوه زیستن می‌باشد. یکی از چالش‌های مهم روستاییان منطقه، بیکاری‌های فصلی می‌باشد، زیرا آن‌ها در طول یک سال فقط یک‌بار قادر به

کشت گندم و جو بوده و به خاطر این که زمین های آنان به صورت دیم بوده و دسترسی به آب برای کشاورزی در دیگر فصل های سال امکان ندارد، عقیده داشتند که شغل پایدار و درآمد مناسب می تواند در بهبود وضعیت آنان و کاهش مهاجرت های روستایی مؤثر باشد.

جدول ۵. بررسی رابطه بین مهاجرت با سایر متغیرها

ردیف	نام متغیر	ضریب همبستگی	مقدار (r)	سطح معنی داری
۱	سن	پیرسون	-.۲۲۷*	۰/۰۱۷
۲	تعداد گوسفند	پیرسون	-.۵۹۱*	۰/۰۱۶
۳	تعداد بز	پیرسون	-.۵۹۰*	۰/۰۱۶
۴	تعداد گاو	پیرسون	-.۶۶۳*	۰/۰۴۴
۵	دسترسی به خدمات	اسپیرمن	۰/۱۹۰*	۰/۰۴۱
۶	درآمد فرد	پیرسون	۰/۲۰۳*	۰/۰۳۳
۷	وجود بیکاری	اسپیرمن	۰/۲۵۰**	۰/۰۰۸
۸	تمایل به تحصیل فرزندان	اسپیرمن	۰/۲۷۱**	۰/۰۰۴
۹	رضایت از محیط روستا	اسپیرمن	۰/۲۴۸**	۰/۰۰۹

ns رابطه غیرمعنی دار. * در سطح ۹۵ درصد ** در سطح ۹۹ درصد رابطه معنی دار

نتایج حاصل از تحلیل همبستگی بین متغیر مستقل تحقیق با متغیر میزان تمایل افراد به مهاجرت از روستا به شهر را می توان به صورت زیر بیان نمود که سن افراد با پدیده مهاجرت رابطه معنادار و منفی را در سطح پنج درصد برقرار نموده است. به عبارت دیگر، هرچه سن افراد بالاتر می رود تمایل به مهاجرت روستاییان کاهش می یابد. تعداد دام روستاییان نیز با پدیده تمایل به مهاجرت، رابطه منفی و معکوس در سطح پنج درصد داشته است. به طوری که افرادی که دارای دام بیشتری هستند مهاجرت در بین آنان کمتر مشاهده و همچنین تمایل به ترک روستا نیز در آن ها کمتر می باشد. باتوجه به داده های جدول ۵ دسترسی به خدمات و درآمد افراد رابطه مثبت معناداری در سطح پنج درصد به مهاجرت از روستا به شهر داشته و بیکاری در محیط روستا و تحصیل فرزندان، رابطه مثبت معناداری را در سطح پنج درصد نسبت به روند مهاجرت از روستا به شهر نشان می دهد. به عبارت دیگر هر چه تعداد فرزندان خانوار بیشتر بوده اند دسترسی به شغل مناسب دشوار بوده و با افزایش پدیده بیکاری در محیط روستا زمینه افزایش پدیده مهاجرت به شهر فراهم می گردد. رضایت از محیط زندگی در روستا با پدیده مهاجرت رابطه معنادار و در جهت معکوس سطح پنج درصد نشان می دهد، هرچه میزان رضایت روستاییان از محیط زندگی روستایی بیشتر باشد، میل به مهاجرت در افراد روستایی کمتر می باشد.

ضریب همبستگی جزئی

همبستگی جزئی (Partial correlation) که به همبستگی خالص هم معروف است سعی می کند تا با حذف اثرات سایر متغیرها، رابطه بین دو متغیر را جداگانه بررسی نماید و با کنترل و حذف اثر سایر متغیرها، همبستگی خالص بین دو متغیر را بسنجد. بنابراین رابطه بین تمایل به مهاجرت و متغیرهای اقتصادی با کنترل متغیر میزان علاقه عاطفی به محیط روستا، سنجیده شده است. در جدول ۵ مشاهده گردید که با بهبود متغیرهای اقتصادی مانند

تعداد دام سبک و سنگین و درآمد فرد، تمایل به مهاجرت کاهش یافته و یک رابطه معکوس معنی‌دار وجود دارد، حال با کنترل متغیر میزان علاقه عاطفی به محیط روستا، این رابطه سنجیده شد که نتیجه آن در جدول ۶ ارائه شده است. درگام اول رابطه بین مجموع متغیرهای اقتصادی با تمایل به مهاجرت با مرتبه صفر یعنی بدون کنترل سایر متغیرهای اجتماعی سنجیده شد که یک هم‌بستگی منفی یا معکوس در سطح ۹۹ (۰/۰۰۲) درصد اطمینان وجود دارد. به عبارت دیگر با بهبود شاخص اقتصادی، تمایل به مهاجرت کاهش می‌یابد. در گام دوم متغیرهای میزان علاقه به محیط روستا را کنترل می‌کنیم و این کار را از طریق ضریب هم‌بستگی جزئی انجام می‌دهیم. نتایج ضریب هم‌بستگی جزئی نشان داد که با کنترل متغیر میزان علاقه به محیط روستا، رابطه بین متغیر اقتصادی و تمایل به مهاجرت، معنی‌دار نبوده (۰/۰۷۱) و در واقع متغیر میزان علاقه به محیط روستا، نقش مهمی در ماندگاری افراد در محیط روستا ایفا می‌کند، وگرنه بهبود وضعیت اقتصادی به خودی خود و به تنهایی، باعث ماندگاری و کاهش مهاجرت روستاییان نمی‌گردد.

جدول ۶. هم‌بستگی جزئی

ضریب هم‌بستگی	متغیر مستقل	متغیر وابسته	مقدار r	سطح معنی‌داری
رابطه اول، بدون کنترل	متغیرهای اقتصادی	تمایل به مهاجرت	-۰/۴۳۵	۰/۰۰۲
رابطه دوم، با کنترل متغیر علاقه به محیط روستا	متغیرهای اقتصادی	تمایل به مهاجرت	-۰/۲۲۱	۰/۰۷۱

تحلیل عاملی

با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی به شیوه تحلیل مؤلفه‌های اصلی، سعی شد عوامل تأثیرگذار بر مهاجرت روستاییان به شهر مورد بررسی قرار گیرد. برای تشخیص مناسب بودن داده‌ها در تحلیل عاملی از ضرایب KMO and Bartlett's Test استفاده گردید مقدار KMO برابر با ۰/۶۸۷ و در سطح قابل قبولی بود و آماره بارلت هم معنی‌دار گردید. در جدول ذیل، مقدار واریانس و ضرایب ویژه هر عامل آمده است. در این جدول می‌توانید مشاهده کنید که چهار عامل با مقدار ویژه بالاتر از ۰/۵ قابلیت تبیین واریانس متغیرها را دارند، بنابراین چهار عامل با مقادیر ویژه بالاتر از ۰/۵ استخراج شدند که عوامل چهارگانه، ۷۴/۷۸ درصد از کل واریانس مربوط به عوامل مؤثر بر مهاجرت را تبیین کردند. به عبارت دیگر، نزدیک به ۷۵٪ عوامل مؤثر بر مهاجرت مشخص گردید که پس از بررسی متغیرهای مربوط به هر عامل و بارهای عاملی آن‌ها، عوامل بدین ترتیب: عامل دسترسی به خدمات، عامل ویژگی‌های فردی، عامل اجتماعی و عامل اقتصادی نام‌گذاری شدند.

جدول ۷. تعداد عامل‌های (مهاجرت) استخراج شده همراه با مقادیر ویژه، درصد واریانس و درصد تجمعی

ردیف	نام عامل	مقدار ویژه	درصد واریانس مقدار ویژه	درصد تجمعی واریانس
۱	عامل دسترسی به خدمات	-۰/۸۴۵	۳۰/۰۲	۳۰/۰۲
۲	عامل ویژگی‌های فردی	-۰/۷۱۲	۲۱/۲۸۴	۵۱/۲۹
۳	عامل اجتماعی	-۰/۶۲۱	۱۲/۳۷۳	۶۳/۷۰
۴	عامل اقتصادی	-۰/۵۳۲	۱۱/۳۴۹	۷۴/۷۸

از میان این عوامل، نخستین عامل به تنهایی به میزان ۳۰/۰۲ درصد از واریانس کل را به خود اختصاص داده است. در این عامل نیز بیشترین بار عاملی مربوط به متغیر ایجاد دسترسی به خدمات و امکانات رفاهی می‌باشد (جدول ۸). عامل دوم، تحت عنوان عامل ویژگی‌های فردی نیز ۲۱/۲۸۴ درصد واریانس کل را شامل گردیده و در این عامل نیز متغیر سن سرپرست خانوار بیشترین هم‌بستگی و بار عاملی را با عامل اصلی داشته است. تعداد فرزند هم در میل به مهاجرت نقش مهمی ایفا کرده است به طوری که هر چه تعداد فرزندان بیشتر گردد به دلیل عدم یافتن شغل مناسب و همین‌طور دستیابی به رفاه و خدمات بیشتر برای آنان در محیط روستا نیاز به پدیده مهاجرت بین آنان بیشتر می‌شود. عامل سوم که از آن به عنوان عامل اجتماعی نام برده شده است، ۱۲/۳۷۳ درصد واریانس کل را به خود اختصاص داده است در این عامل بیشترین بار عاملی مربوط به متغیر امید به انتخاب شغل دیگر می‌باشد. عامل چهارم با عنوان عامل اقتصادی نام‌گذاری گردید. این عامل به تنهایی ۱۱/۳۴۹ درصد واریانس کل را شامل گردید. در این عامل متغیر تعداد دام بیشترین بار عاملی را به خود اختصاص داده است. متغیر درآمد نشان می‌دهد که هرچه درآمد افراد بالاتر می‌رود، میل به مهاجرت در آن‌ها افزایش می‌یابد، که می‌توان گفت اغلب افراد با درآمد بالا و یا کسانی که درآمد آنان افزایش پیدا کرده است به نوعی سطح انتظارشان بالا رفته و به دنبال رفاه و خدمات بیشتری هستند و توانایی پرداخت هزینه‌های شهری را دارند.

جدول ۸. نام عامل و بارهای عاملی هر متغیر

اولویت	نام عامل	متغیرها	بار عاملی
اول	دسترسی به خدمات و امکانات	دسترسی به خدمات	۰/۸۲۵
		عدم امکانات کافی در روستا	۰/۷۵۳
		تحصیل فرزندان در شهر	۰/۶۴۴
		مقدار زمین در روستا	۰/۴۱۴
دوم	عامل ویژگی‌های فردی	سن سرپرست	۰/۸۱۳
		تعداد فرزند	۰/۸۰۲
		سطح سواد	-۰/۶۷۲
سوم	عامل اجتماعی	انتخاب شغل دیگر	۰/۸۶۲
		علاقه به محیط روستا	-۰/۶۷۸
		پیوند قومی	-۰/۶۷۵
چهارم	عامل اقتصادی	تعداد دام	-۰/۸۲۱
		درآمد	۰/۶۱۳
		میزان کشت	-۰/۵۸۹
		میزان تولید در هکتار	-۰/۵۷۲
		اعتبارات	-۰/۵۱۱

نتیجه‌گیری و بحث

در این تحقیق عوامل مؤثر بر کاهش مهاجرت روستا به شهر و همین‌طور میزان تمایل به مهاجرت افراد روستایی بررسی گردید. براساس یافته‌های پژوهش اکثر روستاییان بخش ممبئی در شهرستان بهمئی به فعالیت دامداری و

زراعت مشغول هستند. زراعت مردم منطقه مورد نظر به صورت دیم بوده و اغلب دام آنان را دام سبک تشکیل می‌دهد. تعلیف دام آن‌ها بیشتر زمان سال از طریق مراتع صورت می‌گیرد. در بخش ممبی دسترسی به خدمات کشاورزی پایین بوده و از ارائه خدمات زراعی و دامی ناراضی بوده‌اند. در سال‌های اخیر مهاجرت زیادی از این منطقه صورت گرفته و با توجه به اطلاعاتی که از دهیاری‌ها و شبکه بهداشت روستاهای این بخش حاصل گردید اولین مهاجرین را بیکاران تشکیل می‌دادند. قشر کشاورز با توجه به مشکلات پیش روی آنان که در تحقیق هم به آن‌ها اشاره گردید، به خاطر وابستگی به دام و زراعت خود و عدم مهارت برای فعالیت در مشاغل فنی در شهر، در روستا ماندگار شدند و به تولید می‌پردازند. دامداران و کسانی که زمین زراعی دارند در فصل بیکاری به شهر رفته و کارگری می‌کنند یا در شرکت‌های خصوصی به طور موقت به فعالیت پرداخته و اغلب با پدیده مهاجرت فصلی روبه‌رو هستند. اغلب افراد سرپرست خانوارها که ۹۰٪ از نمونه آماری پژوهش حاضر را تشکیل می‌دادند دارای فعالیت دامداری و زراعت بودند و به ادامه فعالیت در بخش کشاورزی رضایت نشان می‌دادند (نتایج جدول ۴). از جمله عوامل تأثیرگذار در کاهش دام و زراعت مردم این منطقه از نظر پاسخ‌دهندگان می‌توان به خشکسالی، درآمد پایین، حمایت‌های کم دولت، نبود بازار مناسب برای فروش دام و محصولات، ارائه خدمات ضعیف کشاورزی و دامداری در این بخش و تحصیل فرزندان اشاره کرد. از دیگر نتایج پژوهش می‌توان به مؤثر بودن عوامل اجتماعی در کاهش مهاجرت روستاییان و ماندگاری آنان در روستا نام برد. علاقه بالای روستاییان به محیط روستا و همین‌طور پیوندهای خویشاوندی و قومی گسترده از عوامل اجتماعی مؤثر در کاهش مهاجرت روستاییان بوده‌اند که با نتایج مطالعه خوش‌فر و همکاران (۱۳۹۱) تطبیق دارد. همان‌طور که تودارو در کتاب توسعه اقتصادی در کشورهای جهان سوم به همین نکته اشاره می‌کنند که فعالیت کشاورزی تنها یک شغل و منبع درآمد برای روستاییان نیست بلکه یک نوع شیوه زیستن می‌باشد، بنابراین وابستگی عاطفی به شغل و زمین و محیط روستا، تأثیر فراوانی در ماندگاری در روستا و کاهش مهاجرت ایفا می‌کند. با توجه به نتایج هم‌بستگی می‌توان گفت که تعداد دام روستاییان، سن افراد و همین‌طور شغل آن‌ها در روستا مانع مهاجرت به شهر شده است و هر چه تعداد دام افراد و هم‌چنین سن آن‌ها بالاتر باشد، میل به مهاجرت در بین مردم روستایی پایین‌تر بوده است. نتایج تحقیق بنی اسدی و همکاران (۱۳۹۱) و دانشور کاخکی (۱۳۸۵) نیز بر اهمیت سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی بر پایداری جمعیت روستایی تأکید داشتند. از عوامل عمده و مهم در افزایش تمایل به مهاجرت افراد می‌توان به دسترسی به خدمات و رفاه بیشتر، وجود بیکاری در روستا، درآمد بالای افراد و تحصیل فرزندان اشاره کرد به طوری که این عامل‌ها با تمایل به مهاجرت افراد رابطه مثبت معناداری داشته‌اند که با نتایج مطالعات کیانی و همکاران (۱۳۹۵) و اذانی و بوستانی (۱۳۹۰) هم‌خوانی دارد. به عبارت دیگر توسعه خدمات بدون در نظر گرفتن ویژگی‌های تولیدی و بهبود خدمات توسعه کشاورزی به خصوص تأمین و توزیع نهاده‌ها و همین‌طور توسعه بازارها نمی‌تواند به عنوان راهکاری مؤثر در جهت کاهش روند مهاجرت باشد. با تمامی این مسائل هنوز مسئله علاقه به محیط زندگی روستایی و وابستگی افراد روستایی به فعالیت در بخش کشاورزی می‌تواند در کاهش اثرات منفی مهاجرت مؤثر باشد. به علاوه نتایج تحلیل عاملی نشان داد که به طور کلی عامل‌های دسترسی به خدمات، عامل ویژگی‌های فردی، عامل اجتماعی و عامل ویژگی‌های اقتصادی محیط روستا، از جمله عوامل مهم در تمایل به مهاجرت افراد بوده‌اند به طوری که مطالعات پیشین بر این موضوع انگشت تأکید نهاده‌اند. از دیگر نتایج تحقیق می‌توان به عدم تمایل جوانان روستایی به فعالیت در بخش کشاورزی اشاره کرد که این مورد در آینده می‌تواند معضلات زیادی مانند سرازیر شدن

نیروی جوان روستایی به شهر و افزایش بیکاری شهری و همین‌طور ایجاد پدیده سالخوردگی در بخش کشاورزی روستایی و کاهش تولیدات روستایی اشاره نمود. بنابراین توسعه خدمات مناسب می‌بایست زمینه‌ساز توسعه فضای اقتصادی و کسب‌وکار در محیط روستا بوده هم‌چنین با کاهش نابرابری‌های فضایی موجود از ایجاد توقع و انتظارات بالاتر در افراد روستایی نسبت به زندگی شهرنشینی خودداری نمود.

پیشنهادات

نتایج تحقیق نشان داد که شغل اکثریت مردم منطقه کشاورزی سنتی (زراعت دیم و دامداری بومی و محلی) بوده و این منطقه از پتانسیل بالایی برای فعالیتهای دامداری برخوردار می‌باشد. از آن‌جا که نتایج تحقیق بازگوکننده علاقه روستاییان به ادامه فعالیتهای مذکور می‌باشد، لذا پیشنهاد می‌گردد برنامه‌های لازم برای اعطای تسهیلات و وام‌های ضروری برای توسعه فعالیتهای کشاورزی و دامداری برای روستاییان را در نظر بگیرد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد یکی از عوامل مؤثر در پدیده مهاجرت فشار عامل خشکسالی و اثر آن بر عدم تأمین علوفه لازم برای تغذیه دام‌ها و در نتیجه فروش ارزان قیمت و بی‌موقع دام روستاییان می‌باشد. لذا پیشنهاد می‌گردد در چنین مواقعی می‌بایست ضمن برنامه‌ریزی پایین‌به‌بالا و توجه به نیازهای مخاطبان حمایت‌های لازم برای رفع معضل خشکسالی و به‌عبارت‌دیگر ایجاد فرآیند مناسب برای مدیریت بحران را در اولویت قرار داد. از آن‌جا که بیشتر تغذیه دام‌ها به‌صورت چرای طبیعی و استفاده از مراتع صورت می‌گیرد، لذا می‌بایست برنامه‌های منظمی برای تعادل دام و مراتع داشته و از فشار بیش از حد بر نقاط خاصی از مراتع جلوگیری شود. ایجاد شغل‌های موقت و پایدار در محیط روستا و ایجاد صنایع کوچک و صنایع تبدیلی برای فروش محصولات دامی و ثانویه آنها می‌تواند زمینه‌ساز تشویق و افزایش علاقه روستاییان به گسترش و توسعه بخش کشاورزی در روستاهای این منطقه باشد. ارائه خدمات دامپزشکی در این منطقه بهبود یابد و از دامپزشک‌های سیار استفاده شود. از آن‌جا که نتایج تحقیق بازگو کننده عدم رضایت روستاییان از خدمات توسعه کشاورزی موجود در منطقه می‌باشد لذا پیشنهاد می‌گردد: بیمه دام و محصولات کشاورزی سازماندهی و هم‌چنین زمینه استفاده از وام‌های کم بهره در فصل زمستان به برای خرید علوفه و تأمین مایحتاج زندگی خانوارهای روستایی فراهم گردد. نباید مراحل پیچیده اداری مانع از دسترسی روستاییان به خدمات و حمایت‌های مالی دولت شود. از آن‌جایی که بخش دامداری روستاییان وابستگی زیادی به بخش مراتع داشته لذا پیشنهاد می‌گردد افزایش تعداد دام در منطقه کنترل و متناسب با ظرفیت مراتع باشد. یکی از عوامل مهم ماندگاری روستاییان شغل و ارتباطات اجتماعی در روستا می‌باشد که این ارتباطات زمینه مناسب برای توسعه سرمایه اجتماعی در محیط روستا و هم‌چنین افزایش میزان رضایت و دلبستگی و علاقه‌مندی روستاییان را به محیط روستا ایجاد می‌نماید. لازم است برنامه‌های توسعه روستایی ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و فرهنگی لازم در این زمینه را تدارک و اجرا نمایند. هم‌چنین در پایان پیشنهاد می‌گردد هرگونه برنامه و سیاست توسعه کشاورزی در منطقه مورد مطالعه باید با دانش بومی سازگار و همسو باشد.

منابع

آذانی، م. و بوستانی، س. ۱۳۹۰. تحلیلی بر عوامل مؤثر بر مهاجرت روستایی (نمونه موردی: شهرستان ممسنی)،

فصلنامه علمی- پژوهشی فضای جغرافیایی دانشگاه آزاد واحد ابهر، ۱۳ (۴۱): ۹۳-۱۱۱.

بنی‌اسدی، م.، زارع مهرجردی، م. و ورمزیاری، ح. ۱۳۹۱. بررسی عوامل اقتصادی مؤثر بر مهاجرت روستاییان در ایران. تحقیقات اقتصاد کشاورزی، ۵ (۱): ۱۹۶-۱۸۳.

تودارو، م. ۱۳۶۵. مهاجرت داخلی در کشورهای در حال توسعه، ترجمه مصطفی سرمدی؛ انتشارات مؤسسه تحقیقات و آموزش عالی (قابل حذف).

تودارو، م. ۱۳۸۶. توسعه اقتصادی در جهان سوم، ترجمه غلامعلی فرجادی، چاپ چهاردهم، انتشارات کوهسار، تهران.

پاپلی یزدی، م. ح. و ابراهیمی، م. ۱۳۸۷. نظریه‌های توسعه روستایی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهی (سمت)، چاپ پنجم، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، تهران.

خوش‌فر، غ.، دانش، ی. و جوادی‌نیا، ع. ۱۳۹۱. مطالعه جریان‌های مهاجرتی و عوامل مؤثر بر آن در استان مازندران. فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی، ۱ (۴): ۱۷۶-۱۴۷.

رمضانیان، م. و عبدل‌زاده، الف. (۱۳۸۰). سالخوردگی جمعیت در بخش کشاورزی ایران. اقتصاد و توسعه کشاورزی، ۳۶: ۲۰۷-۲۰۷.

طالب، م. ۱۳۷۲. آزادسازی کشاورزی: توسعه کشاورزی یا مرگ روستاها. اقتصاد کشاورزی و توسعه، زمستان ۱۳۷۲، شماره ویژه: ۲۶۰-۲۴۹.

عابدی، ع. ۱۳۸۴. بررسی تأثیر عملکرد بخش کشاورزی بر مهاجرت از روستا به شهر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان، اصفهان.

عنابستانی، ا. و عنابستانی، ز. ۱۳۹۰. فرآیند درآمدزایی و نقش آن در مهاجرت روستا به شهر. سبزواری. مجله پژوهش و برنامه شهری، ۲ (۵): ۱۳۳-۱۴۶.

غفاری مقدم، ز. و صبوچی، م. ۱۳۸۳. بررسی عوامل مؤثر بر مهاجرت از روستا به شهر در ایران. ششمین همایش اقتصاد کشاورزی، تهران. ۱۳-۱.

قاسمی سیانی، م. ۱۳۸۸. پیامدهای مهاجرت روستا-شهری نسل جوان روستایی، پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، شماره دوم، بهار و تابستان (۱۳۸۸): ۱۶۵-۱۴۵.

کیانی، م.، اسدی، ع.، ورمزیاری، ح. و براتی، ع. ۱۳۹۵. مدل معادلات ساختاری و تلفیقی علل و پیامدهای مهاجرت روستایی در بخش کیان شهرستان نهاوند. توسعه محلی (روستایی-شهری)، ۸ (۲): ۳۳۹-۳۵۸.

گراوند، ف. ۱۳۸۱. نقش کشاورزی در توسعه روستایی- مطالعه موردی شهرستان پلدختر. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران. ۱۰۰-۷۵.

ملور، ج. ۱۳۸۳. توسعه کشاورزی در ایران. مجله اقتصاد و توسعه کشاورزی، ۱۲(۴۵): ۱-۱۸.

Awumbila, Mariama. 2017. Drivers of Migration and Urbanization in Africa: Key Trends and Issues, United Nations Expert Group Meeting on Sustainable Cities, Human Mobility and International Migration, New York, 7-8 September 2017.

Bülent Yılmaz, A., İsmet, D., Erdoğan, A. and Wietze, L. 2010. Factors affecting rural development in turkey. *Forest Policy and Economics*. No 12, pp: 239-249.

Chukwuedozie, K., Ajaero, and Patience, C., Onokala. 2013. The Effects of Rural-Urban Migration on Rural Communities of Southeastern Nigeria, *Hindawi Publishing Corporation International Journal of Population Researc*, Volume 2013, pp: 1-10.

Goldsmid, P.D., Gumjal, K. and Ndaishikanye, B. 2002. Rural- urban migration and agriculture productivity, thy case of scenegal. *Agricultural ecoaomic*, pp: 33-45.

Jeremy Desiré, Rakotonirin. and Jinhua, Cheng. 2015. Research on the Impacts of Rural-to-Urban Migration on Demographic Characteristics Regarding Economic Development in Madagascar, *American Journal of Industrial and Business Management*, 5. pp: 335-350

Porsena, M. 2009. Factors affecting the motivation of rural youth to farming. Roosta VA Towsee A Quarterly, *Journal of Rural Development Studies*. VOL. 13. NO.3, pp 32-35.

Seipel, M.D. 2004. The role of agriculture in rural development in Ghana. Phd thesis, Faculty of Agriculture Sceince, Truman State University.

The role and importance of agriculture to prevent of migration

Mohammad Sadegh Ebrahimi^{1*} and Hhasan Asadi KHob²

Submitted: 15 April 2017

Accepted: 3 February 2018

Abstract

In the past decade, developments in economic, social, governing the country's population on the one hand and knowledge of the immigration movement has been severe and in some areas this displacement is associated with greater severity. Among the main causes of rural migration to cities is the issue of employment. Because one of the main reasons for migration unemployment and the nature of jobs The structural weaknesses in rural areas causes the villagers to gain better opportunities and seek to improve social conditions - economic and welfare of their lives to migrate to urban areas. Because the majority of jobs in rural areas are agriculture, investment and migration to the agricultural sector can reduce, eliminate unemployment and improve the welfare of the villagers. This study investigated the role and importance of agriculture in rural life and avoid the crowds in the city where Bahmai County has been made. The field research was a sample of 120 was calculated. The results show that the development of the agricultural sector is decreased by reducing rural-urban migration of rural income gap that the city has. Given the intensity of migration in this region, farmers were more lasting than other rural populations. According to the survey results, it is emphasized that the government's policy on investment and greater attention to agriculture as well as creating employment in rural areas seem to be necessary.

Keywords: Migration, Development, Agriculture sector, Effective factors, Bahmai county.